

اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف شد. در این بین پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق به مثابه یکی از دلایل رشد منطقه‌گرایی، باعث شد که سطح تحلیل بویژه در عرصه مناسبات بین‌المللی، از دولت - ملت به اتحادیه و بلوک‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری منطقه‌ای تغییر پیدا کند. به لحاظ فلسفی، منطقه‌گرایی بر این مبنا استوار است که رسیدن به وحدت جهانی در شرایط کنونی جهان بعید و تحمیل‌ناپذیر است و باید با بسیج نیروهای پیونددهنده منطقه‌ای، زمینه حصول به آرمان متعالی را فراهم کرد، طرفداران منطقه‌گرایی معتقدند تجانس‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی به همراه سایر مؤلفه‌های وحدت‌بخش، این امکان را به دولت‌های مستقل واقع در منطقه گسترده حتی به وسعت یک قاره می‌دهد که از منابع مادی و معنوی خود با همکاری مشترک به‌طور مطلوب بهره ببرند. آنها می‌توانند مکمل نیازهای یکدیگر باشند بنابراین آرمان صلح در اندیشه منطقه‌گرایی یک ملاحظه زیربنایی محسوب می‌شود.

اهمیت مناطق پیرامونی ایران

اگر کمی از محیط پرتلهاب غرب آسیا فاصله گرفته شود، جمهوری اسلامی در منطقه‌ای قرار گرفته است که شاهراه اتصال مناطق در قاره آسیا محسوب می‌شود. در اطراف جمهوری اسلامی چندمنطقه استراتژیک وجود دارد که غرب آسیا یکی از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. مناطقی که در گذشته در اختیار امپراطوری ایران بوده و امروز جزو فرهنگ و تمدن ایرانی محسوب می‌شوند. در شمال و شمال غربی کشور، منطقه بسیار مهم و استراتژیک قفقاز قرار دارد که تحولات آن بخصوص مسأله قره‌باغ برای جمهوری اسلامی بسیار مهم به حساب می‌آید. قدرتهای مداخله‌گر حضور بسیار فعالی در این منطقه دارند. منطقه‌ای که با اکتشافات اخیر گازی و نفتی در دریای خزر و آذربایجان اهمیت دو چندانی پیدا کرده است. منطقه قفقاز با مساحت ۵۲۰ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۴۰ میلیون نفر و قرار گرفتن در میان دریای خزر و دریای سیاه، ژئوپلیتیک بسیار مهمی را به خود اختصاص داده است. کشورها و رژیم‌های مختلفی روابط گوناگون اقتصادی، سیاسی و امنیتی در راستای منطقه‌گرایی با کشورهای این منطقه دارند. حضور رژیم صهیونیستی، ناتو و ترکیه بخشی از این کشورها است. در آن سوی خزر و در شمال شرقی و شرق کشور، منطقه بسیار مهم و استراتژیک آسیای مرکزی قرار دارد. این منطقه به دلیل موقعیت بسیار مهم خود و منابع سرشار انرژی به غرب آسیا دوم شهرت دارد. آسیای مرکزی متشکل از پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در میان فضای اقلیمی پهناور اوراسیا واقع شده و تقریباً ۸۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. اگر چه در نگاه نخست آسیای مرکزی منطقه‌ای فقیر و از نظر جغرافیایی محصور در خشکی به نظر می‌آید که کشورهای منطقه را به همسایگان و جامعه جهانی

اگر جمهوری اسلامی بتواند با مناطق پیرامونی خود روابط اقتصادی داشته باشد، دیگر نیازی به ارتباط با اتحادیه اروپا با روابط اقتصادی ۲ میلیارد دلاری نخواهد داشت. طبق برآوردهای دقیق، فرصت اقتصادی ایران با آسیای مرکزی حدود ۲۰ میلیارد دلار و منطقه قفقاز حدود ۱۰ میلیارد دلار است. با عبور از ۸ سال ناکارآمدی دولت قبلی جمهوری اسلامی در فرایند ارتباط مؤثر با همسایگان و توجه به مناطق پیرامونی، به نظر می‌رسد دولت سیزدهم راهبرد جدیدی را برای سیاست خارجی خود در نظر گرفته است. توجه به همسایگان و مناطق پیرامونی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت سیزدهم است

وابسته کرده است، اما واقعیت امر آن است که این منطقه تحت لوای تاریخ طولانی خود یکی از مهم‌ترین مناطق اقتصادی جهان شناخته می‌شود که علاوه بر آنکه میراثدار اقتصاد بزرگ جاده ابریشم است، پلی ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و میان شمال و جنوب قاره آسیا به شمار می‌آید. جغرافیای سیاسی و اقتصادی، طبیعت و نیروهای انسانی منطقه از اهمیت بالایی برخوردار هستند و عامل بالقوه‌ای برای تجارت و ترانزیت کالا در سراسر قاره محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه کشورهای این منطقه عضو سازمان همکاری شانگهای هستند، فرایند منطقه‌گرایی با این کشورها بسیار مهم است؛ کشورهایی که از دیرباز در حوزه تمدنی ایران قرار گرفته و زبان فارسی در این کشور رایج است. این منطقه فرصت‌های مهم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای جمهوری اسلامی به شمار می‌آید که توجه به آن می‌تواند با توجه به نوع رابطه جمهوری اسلامی با نظام سلطه در خروج ایران از انزوای ژئواکونومیکی

بسیار تأثیرگذار باشد. منطقه سوم بسیار مهم در پیرامون جمهوری اسلامی، منطقه شبه‌قاره هند است. این منطقه کانون اتصال کشورهای هند و پاکستان به کشورهای جنوبی قاره آسیا است. حضور کشورهای هند و پاکستان بر اهمیت این منطقه می‌افزاید. روابط جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه جنوبی آسیا در سطح بسیار پایین قرار دارد. همچنین با توجه به رقابت‌های اقتصادی و سیاسی بین هند و چین، جمهوری اسلامی می‌تواند فرصت‌های مناسبی را برای خود در این رقابت تعریف کند.

نظم منطقه‌ای و افق تمدنی

اهمیت منطقه‌گرایی امروزه بر کسی پوشیده نیست و منطقه‌گرایی به‌عنوان یک رقیب بسیار مهم برای فرایند جهانی شدن محسوب می‌شود. بسیاری از کشورهایی که نمی‌توانند در فرایند جهانی شدن خود را تعریف کنند، با استفاده از ظرفیت مناطق پیرامونی، از فرصت‌های آن نهایت استفاده را می‌برند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی هژمونی غرب به رهبری امریکا را نمی‌پذیرد و آن را در قالب نظام سلطه تعریف می‌کند، باید به دنبال تشکیل نظم‌های منطقه‌ای در پیرامون خود باشد. مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی دارای ظرفیت‌های بسیار غنی در تمامی حوزه‌ها هستند که قرار گرفتن این مناطق در حوزه تمدنی ایران، لزوم توجه به آنها را دو چندان می‌کند. رسانه می‌تواند به‌عنوان بازوی بسیار مهم و تأثیرگذار در این فرایند عمل کند، به گونه‌ای که معرفی فرصت‌ها و ظرفیت‌های این مناطق می‌تواند برای تصمیم‌گیران کشور راهگشا باشد. امروزه افکار عمومی جامعه نسبت به تحولات مناطق پیرامونی ایران و فرصت‌های این مناطق، اطلاع خاصی ندارند و همواره بر عدم اهمیت داشتن این مناطق تأکید می‌کنند. این در حالی است که اگر جمهوری اسلامی بتواند با همین مناطق پیرامونی خود روابط اقتصادی داشته باشد، دیگر نیازی به ارتباط با اتحادیه اروپا با روابط اقتصادی ۲ میلیارد دلاری نخواهد داشت. طبق برآوردهای دقیق اقتصادی، فرصت اقتصادی ایران با آسیای مرکزی حدود ۲۰ میلیارد دلار و منطقه قفقاز حدود ۱۰ میلیارد دلار است. با عبور از ۸ سال ناکارآمدی دولت قبلی جمهوری اسلامی در فرایند ارتباط مؤثر با همسایگان و توجه به مناطق پیرامونی، به نظر می‌رسد دولت سیزدهم راهبرد جدیدی را برای سیاست خارجی خود در نظر گرفته است. توجه به همسایگان و مناطق پیرامونی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت سیزدهم است. عضویت ایران در سازمان شانگهای را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. به نظر می‌رسد نخبگان، اندیشمندان و متفکران جریان انقلاب ضمن تأکید بر اهمیت فرایند منطقه‌گرایی و توجه به همسایگان، باید بسترهای عضویت جمهوری اسلامی در سازمان‌های منطقه‌ای یا تشکیل سازمان‌ها و ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای را مورد نظر قرار دهند.

ویژه‌نامه



ایران

چهارشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۱